

آذربایجان

پنجشنبه ۲۰ آذر ماه

ناشر افکار جمعیت آذربایجان

شماره ۱۲ - سال ۱۳۲۰

روزنامه آذربایجان از طرف يك جمعیت و برای رساندن مرام و بجماعه آذربایجان منتشر میشود و رویه آن تشریح حال گذشته - تشخیص علل مفساد اجتماعی - بیدار کردن راه چاره عملی برای رفع آنها میباشد

مکتوب خصوصی

فرهان خودشرا نکشت فرهانرا کشتند!

علت بدبختی آذربایجان چیست؟

بقیه از شماره قبل

جوانمردان است و ازین بردن ملیت آن بعضی را کرد و برخی را عجم نامیده ، عده ای را ارمنی و مسیحی و جمعی را مسلمان اسم گذاشته اند و در این اواخر نیز اسم مهاجر را بآنان اضافه نموده اند . ما به تمام آذربایجانیان از کرد و عجم ، سنی و شیعه ، مسیحی و مسلمان ، مهاجر و غیر مهاجر می گوئیم که مقصود فرضین از گفتن این کلمات این است که باین لطایف الحیل مارا گول زده و برای امحاء برادران خودمان تحریک نمایند و در باطن می خواهند تیشه بریشه ملیت ما بزنند !

ما با صدای بلند برادران خود را به اتحاد و یگانگی دعوت نموده میگوئیم که شماها همه آذربایجانی هستید . مبدا پس از این اغفال شوید . از خواب غفلت بیدار شوید و دست دوستی بهم - دیگر بدهید تا بتوانید بدست خود معایب جامعه خود را رفع نموده و متحداً جامعه نوین ایجاد کنید و برفاه و راحتی خود و برادران آذربایجانی خود بکوشید . همیشه سعی نمائید اشخاصی را که نسبت بشما خائن بوده و تخم نفاق میکارند دفع نمائید .

درخانه می گوئیم که آذربایجانی همیشه زنده بوده و میباید . آذربایجانی ملیت خود را مقدس شمرده خون نیاگان خود را همیشه محفوظ داشته و خواهد داشت .

ما مخصوصاً اگر ادعای شاهی و شاهسون آذربایجان را مخاطب قرار داده میگوئیم که شماها از قبائل رشید و شجاع آذر - بایجان بوده اید ، حتی میتوانیم بگوئیم نژاد شماها پاکتر از سایر افراد و قبایل آذربایجانی است و شماها با شهامت و شجاعت خود خون نیاگان تانرا محفوظ داشته اید . زهی بی انصافی است که وطن و خاک پاک خود را ویران کرده برادران آذربایجانی خود را بیگانه فرض نمائید و با غارت و وچاول ، آنان را بدبخت نمائید ، مگر شماها آذربایجانی نیستید؟ مگر خون آذربایجانی در رگهای شما جریان ندارد کلیه قبائل و افراد آذربایجانی از کرد ، شاهسون ، آتوری ، ارمنی و غیره باید در نظر بگیرند که از زمانهای خیلی قدیم فرضین و بیگانگان مذهب را دست آوریز قرار داده همیشه دامنه تعصب مذهبی را دامن زده اند و بالاخره توانسته اند کینه بین سنی و شیعه ، مسیحی ، و مسلمان انداخته و بقدری در تقویت نفاق کوشیده اند که سنی شیعه ها و شیعه سنی ها را واجب القتل می پنداشتند و همچنین مسلمان مال و جان مسیحیان و مسیحی مال و جان مسلمانان را حلال میدانستند !!

به بیند آنان برای تقسیم آذر - بایجان ، آذربایجانی که جای دلیران و

جریده شریفه آذربایجان

شرحی در طی شماره ۱۱ راجع به اخذ مابه التفاوت گندم یا آرد ورودی جهت مصارف شخصی اشخاص مرقوم داشته و بدون اینکه قبلاً کیفیت این موضوع را از این اداره استعلام نمائید کارکنان این اداره را مورد حمله جملات زننده قرار داده بودید باینکه خودتان در تبریز حضور داشته و شاهد و ناظر قضیه هستید که از سوم شهریور بیعد با شهادت عموم مالکین و کشاورزان و با رسمه نانواها این اداره برای رفاهیت و آسایش اهالی این شهر از هیچگونه فداکاری دریغ ننموده و امروز آذوقه و نان این شهر را که از دوسه سال باین طرف دچار هرج و مرج بود و باعث

هیاهو و اضطراب مردم گشته بود تامین کرده است فرضاً اگر از مرکز یا مقامات بالاتری که این اداره را برای اخذ مابه التفاوت تحت فشار گذاشته و این اداره نیز بمناسبت اطاعت امر مافوق اقدام کرده است . تقصیر کارکنان این اداره چیست ؟ زیرا این اداره تابع اوامر ادارات مستقله و وزارت دارائی و پیشکاری استان ۳ و ۴ بوده و از اجرای امر نمی توانست خودداری کند بعداً که بنا به مقتضیات وقت عملاً دیده شد که اجرای این امر برخلاف مصالح جاریه است باز دستور داده اند که موقوف المطالبه گذاشته شود چون فعلاً از این بابت چیزی دریافت نمیگردد خواهشمندم در جریده شریفه مجدداً موضوع را درج نمائید که هرگاه کسی باین اسم و رسم

مدیر : ع . شبستری
سر دبیر : ا . شمس
عنوان تلگرافی
نامه آذربایجان

اداره در حکم و اصلاح و درج مقالات وارده آزاد و مختار است
وجه آبونمان :
سالیانه ۸۰ ریال
ششماهه ۵۰ ریال

قیمت اعلانات : صفحه ۲ - ۲ ریال صفحه ۳ - ۱/۵۰

قیمت تک شماره : ۵۰ دینار بعد از سه روز یکریال

آقای مدیر محترم روزنامه آذربایجان در شماره ۹ همین روزنامه مورخه ۲۰ ۹ ۱۰ تحت عنوان آئینه آذربایجان شرحی از تحمل و بردباری آذربایجانیها در برابر شداید و فداکاری و جانفشانیهای آنها در راه آزادی و وطن مقدس خود مرقوم فرموده و ضمناً اشاره از اعمال جابرانه و رفتار مستبدانه مامورین مرکز نسبت با اهالی غیر آذربایجان نموده لازم دیدم در تعقیب همین موضوع یک سلسله از حقایق را محض استحضار خاطر خواننده - گان و چاره جوئی درد های خودمان اظهار بدارم و مستدعیم محض نوع پروری و حمایت از مظلومین این چند سطر را در ستون جریده شریفه مرقوم دارید تا حقایق مکشوف و شاید اولیای امور در حق مظلومین ترحمی نموده و بد - کرداران را بکیفر اعمال خود برسانند . البته اغلب افراد این کشور مخصوصاً آذربایجانیها از خدمات برجسته شهید راه آزادی آقای میرزا تقی خان رفعت ناشر مجله آزادستان و سر دبیر نامه تجدد مستحضر و مسبوقند و مراتب فدا - کاریها و جانفشانیهای فقید سعید در راه ترقی مملکت و خدمت بوطن مستغنی از شرح و بسط است که خود مجتبی است جداگانه و همچنین برادر ارجمند ایشان مرحوم عبد الکریم فرهان بنوبه خود یکی از آزادیخواهان حقیقی و از جوانان مبرز آذربایجان بوده احتیاج بتعریف و توصیف ندارد .

آیا میدانید این جوان غیور را بازرشهای شرکت مرکزی در موقع اخذ توضیحات با چه نوع و ترتیب اسف آور و فجعمانه کشتند ؟ و شهرت دادند که فرهان خودشرا انتحار نمود ! تا خون این مظلوم را ازین برده و حقایق را مستحضر داشته در نتیجه یکمده زن و بچه های صغار آن مرحوم را در خاک تیره بختی بنشانند که دل هر دوست و دشمن بحال اسفناک آنها میسوزد و کسی در فکر آنها نیست . هموطنان گرامی : در سال ۱۳۱۸ که یکمده مامورین ستمکار و غدار

چیزی از او وارد کنندگان گندم یا آرد وجهی بعنوان مابه التفاوت مطالبه نماید از تادیه آن خودداری و آن شخص را نیز باین

شرکت مرکزی مثل گرگهای خونخوار از تهران به تبریز هجوم آور شده برای مستخدمین و کارکنان شرکت پنبه دوسه ها میساختند ، میزدند و می کشتند و با استفاده از موقع از هیچ اعمال ناشایست خودداری نمیکردند و برای منافع شخصی خود و ترفیع رتبه ، خون اهالی را مباح میدانستند ! فرهان آن جوان آزادیخواه و وطن پرست را کشتند ، در موقع اخذ توضیحات از ضرب و شتم و زخم و زجر خودداری ننمود تا شاید اقراراتی از مشارالیه گرفته مدرک اتهاماتی قرار دهند تا اینکه آن بیچاره در اثر زخمهای مهلک جان خود را در تبریز ، در پیش چشم زن و بچههایش که دیدگان مظلومانه خود را بروی آن مظلوم دوخته و از دیدگان سیلاب اشک میباریدند ؛ جان بجان آفرین تسلیم نمود !

با وجود اینکه دادستان وقت آقای سرابندی و آقای کسرائی مستنطق تبریز و آقای سلطان زاده بازررس مرکز از جریان او مسبوق بودند هیچ قدمی بطرف احقاق حق بر نداشته و قضیه را مستور داشتند در صورتیکه طبق گواهی پزشکان قانونی که در پرونده امر موجود است حاکیست که این مظلوم خودشرا انتحار نکرده بلکه او را بقتل رسانیده اند . من بیچاره در آن موقع هر چه بقامات مربوطه متظلم شدم عریضه های مرا رد و خود مرا با طرز اسفناکی میراندند !

حال که الحمداله اوضاع دیگرگون شده و مظلومین میتوانند سخنان حقه خود را بقامات مربوطه رساننده درخواست احقاق حق و دادرسی نمایند ، با آه و ناله دلسوز و جگر خراش تظلم نموده استرحام مینمایم که ای اولیای امور ، ای عناصر صالحه کشور شمارا بخدا و بوجدان خودتان توجهی در حق مظلومان و بیگسان نموده نگذارید خون آن مظلوم از بین رفته و صغار بی سرپرستش که از افراد این جامعه هستند محو و نابود گردند .

ح . فرهان

اداره معرفی کند تا دیگران باسم مامو - رین این داره سوء استفاده ننمایند . کفیل اداره غله استان ۳ - قهرمانی